

بررسی جرم همسرآزاری در حقوق کیفری ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حسام عباسی^۱، بیتا بهرامی^۲

^۱دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، سیرجان

^۲دانشگاه علامه طباطبائی، کارشناس ارشد حقوق ارتباطات

نویسنده مسئول:

حسام عباسی

چکیده

همسر آزاری پدیده‌ای است که از زمان‌های گذشته در جوامع مختلف وجود داشته است. آزار روانی، جسمی، مالی و جنسی از جمله خشونت‌هایی است که مردان علیه زنان انجام می‌دهند. خشونت علیه زنان پدیده شایع و تأسف‌باری است که ابعاد گسترده‌ای، زمینه آسیب‌های فردی و اجتماعی متعدد را نسبت به آنها، خانواده و جامعه فراهم می‌آورد. خشونت علیه زنان دارای سابقه‌ای به وسعت تاریخ بوده و در دهه‌های اخیر به شکل خشونت مدرن، اشکال نوینی به خود یافته است و با وجود تلاشهای بین‌المللی حقوق‌دانان، کارشناسان و کنشگران اجتماعی و حقوق بشری برای رفع هر گونه خشونت نسبت به آنها سونامی خشونت علیه زنان، کماکان جاری و روزافزون بوده و هزینه‌های متعددی را بر جامعه بشری و ملی دولتها وارد می‌سازد. در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم همسر آزاری، به تحلیل حقوقی این مسئله از نظر قانون ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: همسر آزاری، خشونت، ایران، حقوق بشر.

مقدمه

خشونت علیه زنان از منزل و خیابان تا کوچه و بیباخان، به اشکال مختلف توهین و هتك حرمت، ختنه دختران و زنان، ازدواج زودهنگام آنها، استثمار عاطفی و جنسی در منازل و محافل کار و خارج از آن، طلاق قهری، تبعیض جنسیتی و نگاه های سنتگین مردانه، آزار جنسی و تن فروشی پیدا و پنهان، ایراد صدمات عمده بدنی و حیثیتی، اخراج از منزل و ممانعت از تحصیل و کار، وضعیت زنان بی سرپرست و بد سرپرست، ممانعت از ملاقات فرزند و سلب حضانت فرزندان از مادران، تضییع حقوق اساسی و شهروندی آنها، تضییع حقوق زناشوئی، خانوادگی و فرصلت های شغلی و حرفة ای، بن بست در طلاق نسبت به زنان و اجراب عینی و عملی آنها به مهرم حلال، جانم آزاد، برای رهایی از تقیید زوجیت و زناشوئی متلاطم خویش در طی سالهای متعدد برای تعیین تکلیف وضعیت حقوقی و قانونی خود و تبعیض و تفکیک جنسیتی، به انحصار مختلف دیگر و درجات متفاوت در جامعه بطور نسبی و فزاینده، حسب مورد، وجود داشته و محصور به قتل علیه زنان در کشور، در معنای خاص آن نمی باشد.

باید توجه داشت که خشونت علیه زنان و به صورت خاص (همسران) به چند نوع مختلف می باشد. خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه زدن به وسایل منزل و ضرب و شتم همسر، خشونت روانی و کلامی مانند تحریر شخصیت، چهره و یا شرایط جسمانی زن، ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به صورت تلفنی، خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و در نهایت خدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قرار دادن وی به خاطر اعتیاد، مهمترین و شایع ترین انواع همسر آزاری مردان نسبت به زنان است.

با توجه به آنچه که بصورت مختصراً بیان شد، در این پژوهش ضمن مفهوم شناسی پدیده همسر آزاری، به اهمیت و قوانین مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته می شود.

۱- مفهوم شناسی پدیده همسر آزاری

خشونت و اعمال آن از مضلات رو به رشد در تمامی جوامع است. این پدیده اشکال گوناگونی دارد و مردان و زنان تمامی گروههای سنی تحت تاثیر آن قرار می گیرند. خشونت خانوادگی^۱ به نحوه پرخاشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می دهد. خشونت خانوادگی گاهی اوقات تحت عنوان همسر آزاری^۲، خشونت زناشویی^۳، زن آزاری^۴، شریک آزاری^۵ و عبارات دیگر توصیف شده است.

یکی از بهترین تعاریف خشونت خانوادگی یا همسر آزاری را Miller و Barnett در سال ۱۹۹۷ ارائه داده اند. آنها به طور کلی همسر آزاری را الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی، روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه شریک صمیمی شان^۶ به کار می بند تعریف کرده اند. سازمان جهانی بهداشت نیز خشونت علیه زنان را از اولویت های بهداشتی شمرده است که عوارض قابل توجهی را در سلامت جسمی و روانی زنان ایجاد می کند.

بر اساس تحقیقات پژوهشی قانونی، همسر آزاری در تمامی طبقات اجتماعی از فقیرترین تا غنی ترین و حتی خانواده های تحصیل کرده اتفاق می افتد و محدود به قشر خاصی نیست. همسر آزاری به شکل های مختلف در جوامع بروز می کند و در هر خانواده ای با هر شرایط و موقعیت اجتماعی ممکن است نمونه ای از همسر آزاری وجود داشته باشد. همسر به زن و شوهر گفته می شود و آزار نیز به معنی معکوس کردن بایدها و نبایدها است. بنابراین در تعریف همسر آزاری می توان گفت معکوس کردن بایدها و نبایدها برای زن یا شوهر همسر آزاری محسوب می شود. همسر آزاری را می توان به ۴ گروه همسر آزاری روانی، مالی، جنسی و جسمی تقسیم کرد. برآورده نشدن هر یک از نیازها در زمینه های مالی، روانی و جنسی می تواند یکی از انواع همسر آزاری را به دنبال داشته باشد.

فقر، اعتیاد، بی دقیقی در انتخاب همسر، تفاوت های فرهنگی، رشد اجتماعی زنان و عدم باور مردان، مرد یا زن سالاری، نقش رسانه ها در ارائه چهره ای نادرست از زنان و ازدواج های قبل از رشد از جمله عوامل زمینه ساز همسر آزاری است. در صورتی که مرد قادر به تأمین نیازهای مادی همسر و خانواده اش نباشد، ممکن است تبعات آن به صورت همسر آزاری بروز کند و مرد از شرایط عادی خارج شود. از سویی اعتیاد نیز به دلیل بالا بردن هزینه خانواده و ایجاد علائم افسردگی در فرد، زمینه ساز همسر آزاری است.

¹⁻ Family Violence²⁻ Spousal Abuse³⁻ Marital Violence⁴⁻ Conjugal Violence⁵⁻ Partner Abuse⁶⁻ intimate Partner

۲- اعلامیه حذف خشونت علیه زنان

با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان در جهان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز چند قطعنامه در جهت مقابله با این مسئله و ایجاد امنیت و احترام به حقوق زنان تصویب نمود.

قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۱۹۹۴ فوریه ۲۳ با آگاهی به نیاز فوری به اینکه حقوق و اصول مربوط به برابری، امنیت، آزادی، تمامیت، و وقار همه انسانها به طور جهانشمول در باره زنان اعمال شود، با توجه به اینکه این حقوق و اصول در استناد بین المللی محترم شمرده شده، از جمله در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی»، «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، و «کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحریر کننده» با آگاهی به اینکه اجرای موثر «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به حذف خشونت علیه زنان کمک می کند و «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان»، چنانچه در قطعنامه حاضر ارائه می شود، این روند را تقویت و تکمیل خواهد نمود، با نگرانی از اینکه خشونت علیه زنان مانع در راه دستیابی به برابری، پیشرفت و صلح است، چنانچه در «استراتژی های آینده نگر کنفرانس نایبروی برای پیشرفت زنان» مشخص شده، که در آن لوایحی برای مقابله با خشونت علیه زنان پیشنهاد شده بود، و به منظور اجرای کامل «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، با تأکید بر اینکه خشونت علیه زنان، مبنای بر نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی زنان است و برخورداری زنان را از این حقوق و آزادی ها بطور ناقص یا کامل نفی می کند، و با نگرانی درباره عدم موقفيت درازمدت در حمایت و ارتقاء این حقوق و آزادی ها در موارد خشونت علیه زنان، با آگاهی بر اینکه خشونت علیه زنان نمایشی از نابرابری تاریخی روابط قدرت میان زنان و مردان است، که به تحت سلطه کشیدن و تبعیض علیه زنان توسط مردان و پیشگیری از پیشرفت کامل زنان انجامیده و اینکه خشونت علیه زنان یکی از مکانیزم های مهم اجتماعی است که زنان را به موقعیت های فرودست در مقایسه با مردان مجبور میکند، با نگرانی از اینکه برخی گروه های زنان، از جمله زنان متعلق به گروه های اقلیت، زنان بومی، زنان پناهندۀ، زنان مهاجر، زنانی که در مناطق روستایی یا دورافتاده زندگی می کنند، زنان بینوا، زنان زندانی یا در حبس، دخترچه ها، زنان معلول و ناتوان، زنان کهنسال و زنان در مناطق جنگی، بطور ویژه در مقابل خشونت آسیب پذیر هستند، با یادآوری نتیجه پاراگراف ۲۳ پیوست قطعنامه شورای اجتماعی ۱۹۹۰/۱۵ به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ و تشخیص این که خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه فraigیر بوده و از مرزهای درآمد، طبقه و فرهنگ می گذرد، باید با اقدامات فوری و موثر برای محو این واقعه همراه باشد، همچنین با یادآوری قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ۱۹۹۱/۱۸ به تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۱، که در آن شورا پیشنهاد پیشبرد امر تدوین یک سند بین المللی را که بطور صريح مسئله خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار دهد، با اسبقی از نقشی که جنبش های زنان در جلب توجه روزافزون به ماهیت، جدی بودن، و ابعاد مسئله خشونت علیه زنان ایفا می کنند، با احساس مخاطره از این که فرسته های زنان برای دستیابی به برابری حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه، به دلایلی از جمله خشونت فraigیر و مداوم، محدود هستند، با اعتقاد به اینکه با توجه به نکات ذکر شده در بالا نیاز برای تعریف جامع و روشن خشونت علیه زنان، یک بیانیه روشن از حقوقی که باید اعمال شوند که حذف خشونت علیه زنان در همه اشکال آن تضمین شود، یک تعهد توسط دولت ها در احترام به مسئولیت های آنان، و یک تعهد توسط تمامی جامعه بین المللی به حذف خشونت علیه زنان، رسما اعلامیه حذف خشونت علیه زنان را در زیر اعلان می دارد و اصرار دارد که هر گونه تلاشی برای شناختن و محترم شمردن آن توسط عموم، به عمل آید.

۳- جایگاه زنان بزهديده در نظام قضائي - تقنييني ايران

۳-۱- نظام قضائي

طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل یازده برنامه توسعه چهارم (۱۳۸۳) قوه قضائيه موظف بوده است لايجه حمایت از بزهديگان اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع بze و جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افراد بر تحلیل علمی بزه کاری و مجرمیت، مجرم یا بزه کار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند. اقدام مهم دیگر در این خصوص حمایت از بزهديگان است. بزهديده در شرایط مختلفی قرار می گيرد: در يك حالت، تا شناسایي مجرم و بزه کاری، هیچ گونه حمایتی از او صورت نمی گيرد و پیامد این بزه کاری می تواند آسیب های جدی اجتماعی و اقتصادي به او وارد سازد. در حالت دیگر، در صورت شناسایي مجرم یا بزه کار، رسیدگی و تحلیل پرونده مدت ها طول کشیده و بزهديده همچنان با مشکلات درگير می شود و در حالت سوم و اعمال محکومیت مجرم، در بیشتر موارد، جبران خسارت بزهديده به شکل مطلوب انجام نمی شود. اگر چه بر ههای از خسارات ها از نظر ماهوی جبران ناپذيراند مانند آسیب های جسمانی منجر به ناتوانی یا معلولیت و آسیب های روانی و حیثیتی در این موارد نیز باید اقدام جدی و قانونمند برای حمایت از بزهديده انجام داد.

در واقع بسیاری از این تبعیض‌ها و ستم‌ها را باید نشات گرفته از مناسبات ستم آلود، دگرگونی نیابند، تحقق برابری واقعی زنان و مردان، آرزوی بیش نخواهد بود. بنابراین، برابری قانونی به تنها‌ی نمی‌تواند تمام یا حتی بیشتر نابرابریها را از بین ببرد و «باید ضمن آن که از طریق ثبتیت چارچوبهای حقوقی بین المللی به برابری قانونی به دست می‌یابیم، در کنار آن از طریق بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در جهت حصول تساوی جنسی و از طریق تغییر سنن و الگوهای رفتاری دیرینه که موجب ادامه تبعیض علیه زنان می‌باشد، به تساوی واقعی نیز رسید» (The Quest for Women's Rights United Nations Focus, July 1991-5,p.1).

به عبارت دیگر، یکی از چالش‌های رودروری زنان این است که بسیاری از الگوهای رفتاری و فرهنگی و اجتماعی و هم‌چنین سنتها و عرفهای جوامع، علاوه‌آن‌ها را از بسیاری از امتیازات بی‌بهره می‌سازد و مانع از مشارکت واقعی آنان در زندگی عمومی شده و بالمال تبعیض در عمل و واقع را نسبت به آنان در بی‌دارد که باید با اتخاذ تدبیری خاص در جهت مقابله با این نوع از تبعیض‌ها گام برداشت و در امحاء و ریشه کنی آن‌ها کوشید.

۳-۲- نظام قانونی

اقدام قانون‌گذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی بر وی در مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ ق.م.ا. قابل تقدیر است. در ماده ۶۴۲ عدم پرداخت نفقة زن توسط مرد را وصف کیفری بخشیده و در ماده ۶۴۵ نیز در جهت حفظ امنیت و آسایش زن و رفع عسر و حرج از وی در اثبات رابطه زوجیت، مردی را که بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی مبدارت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم کرده است، نکته قابل توجه در این ماده عدم مجازات زن است. اگرچه عقد ازدواج با قصد و رضای زوجین واقع می‌گردد؛ اما قانون‌گذار در این ماده صرفاً برای زوج که مبدارت به ازدواج بدون ثبت آن در دفاتر رسمی نموده است، مجازات قرار داده و این امر نشانگر توجه مقتن به جایگاه ضعیف اراده زن در تکوین زندگی زناشویی است. در خصوص استنکاف زوج از پرداخت نفقة نیز اگرچه به این الزام در ماده ۱۱۰۶ ق.م. اشاره شده است، اما اعطای وصف کیفری به عمل تارک انفاق در ماده ۶۴۲ ق.م.ا. موجب سرعت بخشیدن به احراق حق زوجه در مطالبه نفقة حال است.

از مصاديق قابل ستایش دیگر عملکرد قانون‌گذار در توجه به جنسیت بزه‌دیده، تدوین ماده ۶۱۹ ق.م.ا. و اعطای وصف کیفری به توهین‌کنندگان و مزاحمان اطفال و زنان در انتظار است. مطابق این ماده هرکس در اماكن عمومي يا معابر، متعرض يا مزاحم اطفال يا زنان بشود يا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید؛ به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. این ماده از چند جهت قابل توجه است. از یک طرف عمل مزاحمت در معابر و خیابان‌ها را که نسبت به مردان فاقد جنبه کیفری بود، نسبت به زن قابل مجازات دانسته است. ذکر عنوان «مزاحمت» بی‌هیچ قید و شرطی سبب می‌شود هر عملی که در نظر عرف موجب به زحمت انداختن دیگری شود در حیطه ماده ۶۱۹ ق.م.ا. قرار می‌گیرد و از سوی دیگر اهانت به زن در معابر و خیابان‌ها مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به توهین ساده دانسته شده است. مهم‌ترین نکته در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. اعطای جنبه عمومی به عمل مرتكب و غیرقابل گذشت بودن جرم است. از نظر مقتن تعریض به اطفال و زنان در انتظار عمومی آنچنان زشت است که حتی گذشت شاکی خصوصی نیز نمی‌تواند مجرم را از تعقیب و مجازات معاف سازد. البته عدم توجه به رابطه و قربت بزه‌کار و بزه‌دیده در ماده ۶۱۹ ق.م.ا از نقایص این ماده است.

در نقد گام‌های قانون‌گذار ایران از منع خشونت‌های روانی علیه تمامیت معنوی زنان در محیط خانواده، باید به ضعیف بودن این گام‌ها اعتراف نمود. از یکسو عدم توجه به سوءرفتار علیه زن در محیط خانواده که با محدود کردن حقوق اجتماعی زن از جمله حق اشتغال، تحصیل، فعالیت اجتماعی و حقوق انسانی وی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر بیان کلی باید ها و نباید ها از حقوق و تکالیف زوجین که تصوری غلط در ذهن عوام ایجاد می‌نماید، از نقایص کار قانون‌گذار است. از آنجا که قصاص شریف نیز در عرف عام غوطه ورند این تصور دور از واقعیت گاه به عرف خاص قصاصات و رویه قضایی وارد می‌شود. به عنوان مثال حکم مندرج در ماده ۱۱۰۵ ق.م. و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر، این تصور غلط را در اذهان ایجاد می‌کند که کلیه فعالیت‌های زن حتی دیدار وی با والدین باید با اجازه شوهر باشد. همچنین ماده ۱۱۱۷ ق.م. در خصوص حق شوهر بر منع زن از حرفة و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا شوهر باشد به طور عام، بدینگونه که حق اشتغال زن منوط بر اجازه مرد می‌باشد، تفسیر شده است. چنین برداشتی از مواد فوق ناشی از باور غلطی است که عرف از «خدای دوم بودن شوهر» دارد و حیطه این خدایی را صرفاً در حقوق زوج و نه تکالیف وی تفسیر موضع می‌نماید.(قضاؤت، ۶۹)

به علاوه جرم همسر آزاری به طور مستقل در قوانین جزائی ایران پیش‌بینی نشده است البته طرح‌هایی برای تصویب این عنوان مجرمانه مستقل وجود دارد ولی در حال حاضر اعمالی که می‌تواند مصدق همسرآزاری قرار گیرد طبق قواعد عمومی جزائی مورد قضاؤت قرار می‌گیرند.

۴- ابتکارات جدید ایران در حمایت از زنان خشونت دیده

الف - شورای عالی توسعه قضائی با هدف اصلاح قوانین مربوط به حوزه زنان در کمیته «حمایت از بزهده‌گان» به شناسایی مشکلات زنان بزهده‌گان، بویژه بزه دیدگان جنسی در فرایند کیفری و تهیه و تدوین قانون حمایت از بزه دیدگان (که در آن حمایت از زنان بزهده به عنوان یک گروه از بزه دیدگان خاص مورد توجه قرار گرفته است) می‌پردازد. به علاوه کمیته «پیشگیری از جرم» هم در حال تهیه و تدوین برنامه‌های پیشگیری از جرم است که یکی از بحث‌های مهم آن پیشگیری از جرایم علیه اطفال و زنان و برنامه‌هایی در جهت افزایش آگاهیهای زنان نسبت به اتخاذ تدابیر پیشگیرنده از جرم و بزه دیدگی است.

ب - طرح ایجاد خانه‌های امن، طرحی است که در بسیاری از کشورهای دنیا با پشتونه تحقیقی - پژوهشی به اجرا در آمده و تاکنون به بسیاری از مشکلات پاسخ داده و حتی در امر پیشگیری در گیری‌های خانگی نیز موفق بوده است. به طور قطع مردی که مجبور به یافتن پاسخ به هیچ سوالی برای کتنک زدن همسرش ازسوی قانون و عرف نیست و زن نیز جایی غیر خانه او، برای پناه بردن ندارد، الزامی برای کنترل و مهار خشم خود نمودیده و با ایجاد کوچک‌ترین نارضایتی و مسئله‌ای اقدام به پرخاشگری و اعمال خشونت خواهد کرد.

ج - در سال‌های اخیر معمولاً بزهده‌گانی که سابقاً از جرایم آسیب دیده‌اند، نهادهایی مدنی (N.G.O) را با هدف امدادرسانی رایگان به قربانیان جرایم خشونت‌بار تأسیس کرده‌اند، مانند انجمن حمایت از کودکان، انجمن حمایت از زنان قربانی خشونت، انجمن مبارزه با اعتیاد یا حمایت از معتادان. در این نهادها سعی می‌شود با گفتار درمانی و روان درمانی قربانیان را مرمت روحی کنند و به تدریج از آلام ایشان بکاهند. گاه حتی زمینه ملاقات بزهده‌گانه با بزهکار را فراهم می‌کنند تا در این دیدار با عذرخواهی بزهکار بخشی از پریشانی‌های بزهده‌گانه تشغیل یابد، یا اینکه بزهکار بتواند کاری برای بزهده‌گانه انجام دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید این دسته از اقدامات در بزهده‌شناسی قابل اعمال در چهارچوب آیین دادرسی کیفری نیست. بلکه در روابط با خسارات عاطفی، نهادهای مردمی و جامعه مدنی به کمک دستگاه قضائی می‌شتابند. در آیین‌نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی واحدهای معاوضت قضایی نقش ترمیم خسارات عاطفی را بر عهده دارند بنابر دستور رئیس قوه قضائیه دفاتری برای حمایت از اطفال و زنان بزهده‌گانه با حضور مددکاران اجتماعی تشکیل شده است. همچنین در سال‌های اخیر در کلانتری‌ها واحدهای ارشاد و مددکاری تأسیس شده است و پس از طرح شکایت افسر قضایی پرونده را جهت صلح به این واحدهای می‌فرستد تا سعی شود قضیه با مصالحة ختم شود.

نتیجه گیری

از آن جا که ناآگاهی همه انسان‌ها، به ویژه زنان از این حقوق آن‌ها را از برخورداری کامل از آن حقوق باز می‌دارد، لذا آگاه سازی عموم، سواد آموزی حقوقی و ارتقای فرهنگ حقوق بشر، توسعه و صلح از طریق هماهنگی و همکاری با گروه‌های محلی و منطقه‌ای و سازمان‌های غیر دولتی و نیز رسانه‌ها در سراسر جهان برای اجرای برنامه‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر می‌توانند مؤثر باشند. همچنین در دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به جایگاه زنان شده است و بر طبق آن نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مبانی اسلامی حقوق زنان در جامعه و خانواده را مورد توجه قرار داده است. در این میان خشونت علیه زنان از جمله مسائلی است که در تمام جوامع فراغیر می‌باشد. خشونت‌های جنسی، جسمی و... باعث شده تا محیط امن خانه برای همسران ناامن شود. اما شناخت زنان از حقوق خود و قوانینی که به نفع آنها در جهت ایجاد امنیت، آزادی نگاشته شده سبب خواهد شد تا از میزان خشونت علیه زنان نیز کاسته شود. از سویی در فضای جامعه غربی نیز پدیده همسر آزاری گسترش یافته و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواردی بر حفظ حقوق زنان در جهت جلوگیری از همسر آزاری تاکید کرده است. اما آنچه که در میان این قوانین مهم جلوه می‌کند، میزان ظرفیت جوامع در اجرای آنها می‌باشد و باید ضمانت اجرایی در جوامع بالاخن با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته باشد. اگرچه در سالهای اخیر، با افزایش تعداد تشکل‌های مدافعان حقوق زنان و حمایت دولت از رشد این تشکل‌ها، صدای بسیاری در حمایت از حذف خشونت علیه زنان بلند شده است، اما هنوز قوانین حمایت کننده از زنان کافی نیست و زنان نیز بنابر سنت اجتماعی، در موارد بسیاری ترجیح می‌دهند بنابر مصلحت یا حفظ آبرو، خشونتها علیه خویش را پنهان سازند. آیا راه حلی وجود دارد؟ بازنگری قوانین کشورها، یکی از اولین راهکارها برای حذف خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. به اعتقاد نهادهای مدافعان حقوق زنان، نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. دولتها تشویق و ترغیب شوند تا قوانین را رعایت کنند و قوانین نامناسب را عوض کنند. در سطوحی پایین تر نیز باید با کمک به رشد نهادها و تشکل‌های غیردولتی زنان، به مهار اجتماعی خشونت علیه زنان مبادرت ورزید. با همکاری و توسط این تشکل‌ها، زنان باید بیشتر به حقوق خود در برابر خشونت آگاه شوند. با این وجود، حضور و نقش مردان در حذف خشونت علیه زنان اساسی و ضروری است و بدون جلب همکاری مردان، حذف خشونت ممکن نیست. مردان هم باید وادار شوند که سکوت خود را بشکنند و وارد این وادی شوند.

منابع و مراجع

- ۱- اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی یا زنان کتک خورده، تهران، نشر سالی، ۱۳۸۰.
 - ۲- آقابیگلوبی، عباس؛ آفاجانی، کامران، بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران، اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، جلد سوم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
 - ۳- آیت الله‌ی، زهرا، نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۳، ۱۳۸۸.
 - ۴- بلدوو، بوسچک، فرهنگ حقوق بین المللی، ترجمه: بهمن آقابی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
 - ۵- قاسمی روشن، ابراهیم، همسر آزاری؛ رفتار شناسی آزار علیه شوهر، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۰.
 - ۶- حجاجی، احمد، مقاله حقوق بشر در اسلام و اعلامیه چهانی حقوق بشر در سایت www.daneshju.ir/Forum.
 - ۷- جوانمرد بهروز، خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزهیده، نشریه قضاویت، شماره ۶۹، ۱۳۹۰.
 - ۸- قانون مجازات اسلامی: ماده ۲۵۸ - ۷/۱.ق.م. - ماده ۲۷۳.ق.م.ا. همچنین ر.ک. به رای وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۸۴/۱۰/۱۳ دیوان عالی کشور درخصوص میزان ارش زن مسلمان/ ماده ۲۰۹.ق.م.
 - ۹- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- 10- Broude, G. J. & Greene, S. J. (6666). Cross-cultural codes on Husband –wife relationship. Ethnology, vol 66.
- 11- The Quest for Womens Rights United Nations Focus, (Department Of public Information (Dpi)/1144, julu 1991-5.
- 12- Seltzer, J. A.; Kalmuss, Debra (6666). "Socialization and Stress Explanations for Spouse Abuse". Social Forces, 16 (6).